اخبار

درم‌بخش در مراسم رونمایی از کتابش:

مردم کشورم سر ذوقم می‌آورند

کامبیز درم‌بخش در مراسم رونمایی از کتاب خود گفت: شرمسارم در حالی که هنرمند ایرانی از داشتن آتلیه کاری محروم است این همه پول خرج فوتبال می‌شود و تنها طلبکاری از هنرمند را بلدیم.

مراسم رونمایی از کتاب «داستان‌های دیدنی» شامل کاریکاتورهای کامبیز درم‌بخش که از سوی انتشارات دنیای اقتصاد منتشر شده است، عصر دوشنبه دوم اسفندماه در موسسه فرهنگی شهر کتاب برگزار شد.

در این مراسم، کامبیز درم بخش در سخنانی با تشکر از ناشر به منظور انتشار زیبا و پاکیزه کتاب خود گفت: کاریکاتور همه زندگی من را اشغال کرده است و روزی نیست که به این کار فکر نکنم. شاید این طرح‌ها وخطوط شکل‌دهنده آنها به نظر ساده بیاید اما برای رسم آنها سال‌ها تلاش شده است. این کتاب البته بخشی از هزاران طرحی که من کشیده‌ام را شامل می‌شود. به فاصله تحویل این طرح‌ها برای انتشار تا امروز به اندازه حجم این کتاب، طرح‌های دیگری هم کشیده‌ام که می‌تواند همین الان جلد دوم کتاب را شکل بدهد و شاید بهتر بود عنوان کتاب را «داستان‌های بی‌پایان» می‌گذاشتم.

وی افزود: این مجموعه از نظر خودم از دو منظر قابل توجه است. نخست ایده‌های کمیاب و نابی است که من همواره به دنبالش هستم و به نظرم هر کدامشان یک کشف است و دیگری خلاقیتی که برای خلق این تصاویر به کار گرفته شده است. به نظر من طراح یک کیمیاگر است. از یک مداد و قلم چیزی خلق می‌کند که کسی انتظارش را ندارد. من در نمایشگاه‌های مختلفم افرادی را دیده‌ام که با دیدن یک کاریکاتور اشک ریخته‌اند و به نظم این همان تاثیر طراحی است.

درم‌بخش ادامه داد: من پیام خودم را بدون کلمه به همه دنیا رسانده‌ام. البته به خودم مغرور نیستم و فکر می‌کنم تا زنده‌ام باید برای کارم پژوهش کنم تا مطمئنم تا زنده‌ام و چشم و مغزم کار می‌کند این رویکرد ادامه خواهد داشت. این را هم باید بگویم که من هیچ وقت از نظر ذهنی اسیر سوژه خاصی نمی‌شوم. در اثر مرور زمان دید من ارتباطاتی شده است و خودش متوجه می‌شود که باید سراغ چه موضوعی برود.

وی درباره اسم این مجموعه نیز گفت: این طرح‌ها ابتدا در قالبی با عنوان «سینمای کاغذی» تولید و منتشر می‌شد. پس از مدتی به دعوت خانم نفیسه مرشدزاده صفحه‌ای در ماهنامه همشهری داستان برای انتشار آنها در اختیار من قرار گرفت که تا امروز نیز ادامه دارد و اسم داستان‌های دیدنی هم برگرفته از همین ماجراست.

این هنرمند کاریکاتوریست در ادامه با بیان اینکه برای همه مردم کار می‌کند و نه برای قشر خاصی، گفت: روزگاری بود که کاریکاتور تنها مخاطبش قشر انتلکتوئل و تحصیل کرده بود اما من سعی کردم همه مردم را وارد کارم کنم و به درک از این پدیده بکشم. برای همین است که امروز در کنار یک استاد دانشگاه که آثارم را می‌بیند، سبزی فروش محله نیز به جای اینکه طرح‌های من را دور سبزی بپیچد روی دیوار مغازه‌اش نصبش می‌کند والبته اعتراف می‌کنم در چند سال اخیر شور و اشتیاق جوانان به کارهایم به من نیروی مضاعفی داده است.

درم بخش افزود: روراست می‌گویم که کار من ریشه در هنری غربی دارد و چیزی به این عنوان در ایران وجود نداشته تا اینکه از اوایل مشروطه از ترکیه و قفقاز این هنر به ایران می‌آید. من سعی کردم این هنر را با اندیشه شرقی خودم تلفیق کنم. من ۵۰ سال سابقه کار ژورنالیستی دارم، مطبوعات به من در زندگی کمک بسیاری کردند تا بتوانم به جایگاه امروزم برشم. من ۲۵ سال در مطبوعات اروپا کار کردم و به هر جایگاهی که خواستم رسیدم ولی بعدش حس کردم که باید به جایی برگردم که معلق به من است. از روزی که به ایران برگشتم تشویق‌ها و ذوق مردمم بوده که باعث شده بازدهی کار من ۱۰ برابر شود و هنوز هم عجیب از این موضوع نیرو می‌گیرم.

این کاریکاتوریست در ادامه با اشاره به اینکه سال‌های قبل و بعد از انقلاب اسلامی در نوبت‌های بسیاری با مسئولان نامه‌نگاری کرده که چرا در ایران موزه کاریکاتور تاسیس نمی‌شود، گفت: اروپایی‌ها از رقابت با هنرمندان کاریکاتتوریست ما بسیار ناراحتند چون توانش را ندارند اما متاسفم که امروز در ایران موزه‌ای نداریم تا هنر مدرن معاصرمان را به نمایش در بیاوریم. بسیاری از آثار هنری مدرن ما یا در خارج از کشور هستند و یا در زیرزمین‌های کلکسیونرها برای اینکه روزی بتوانند از فروش آنها سود بیشتری کسب کنند. کشور ترکیه در همجواری ما در حال حاضر سه موزه کاریکاتور دارد که برخی از آنها ۴۰ سال قدمت دارند اما در ایران جز در تبریز موزه‌ای برای کاریکاتور نداریم که همان موزه هم ناقص است. پیشنهاد من این بود که در کنار موزه هنرهای معاصر فضایی که این روزها برای فروش ترشی و مربا و ظرف و ظروف اختصاص یافته به جایی برای ایجاد این چنین مرکزی اختصاص پیدا کند اما شهرداری و سایر دستگاه‌ها اجازه این کار را نداده‌اند. برای من مایه شرم‌سازی است که هنرمند ایرانی امروز برای خلق اثر خود از داشتن یک آتلیه هم محروم است. ما امروز در حالی حاضریم پول‌های زیادی برای ورزش و فوتبال خرج کنیم که از هنرمندان خود همواره طلبکاریم.

در بخش دیگری از این نشست جواد مجابی شاعر و نویسنده نیز مقدمه تالیف شده خودش بر این کتاب را برای حاضران قرائت کرد و محمود صدری مدیر موسسه انتشارات دنیای اقتصاد نیز دقایقی به صحبت پرداخت.

چالش‌های توسعه روابط با ترکمنستان ؛

اشتراکات فرهنگی را تقویت کنیم

رایزن فرهنگی ایران در ترکمنستان با برشمردن چالش‌های توسعه روابط با این کشور در زمینه‌های مختلف و تاکید بر ضرورت تقویت آن، حل این چالش‌ها را از طریق توسعه روابط فرهنگی میسر دانست.

«محمدجواد ابوالقاسمی» رایزن فرهنگی ایران در ترکمنستان، ضمن اشاره به اشتراکات فرهنگی و تاریخی دو ملت ایران و ترکمنستان، معتقد است سوء مدیریت‌ها، عدم رعایت ضوابط و استانداردها از طرف شرکت‌های ایرانی در این کشور و همچنین افزایش رقبایی که دل خوشی از ایران و انقلاب اسلامی نداشته و ندارند، موجب چالش‌هایی در روابط میان دوکشور شده است.

وی بر تقویت روابط فرهنگی میان دو کشور از طریق تولید پروژه‌های مشترک در حوزه‌هایی مانند فیلم و موسیقی، تاکید می‌کند و معتقد است از این مسیر، می‌توان چالش‌های موجود بر سر راه توسعه روابط دوجانبه را برطرف کرد.

متن مصاحبه با رایزن فرهنگی ایران در ترکمنستان در زیر از نظر می‌گذرد:

*** پیشینه روابط فرهنگی میان ایران و ترکمنستان به چه زمانی برمی‌گردد و در حال حاضر ما در ارتباطات و تعاملات فرهنگی با این کشور، در چه وضعیتی هستیم و چه موانعی بر سر راه توسعه این روابط وجود دارد؟**

در گذشته‌های نه چندان دور، مرزی بین ایران و ترکمنستان وجود نداشت و مردمانی که الان بین دو مرز زندگی می‌کنند، یک ریشه مشترک داشتند. اگر به ۱۰۰ یا ۱۵۰ سال قبل برگردیم و ریشه‌های زبانی مشترک میان دو ملت را بررسی کنیم، متوجه می‌شویم که نگارش در این ناحیه (که امروز ترکمنستان نامیده می‌شود) اگرچه ترکی یا ترکمنی خوانده و نوشته می‌شده، اما رسم‌الخط آن، زبان فارسی عربی بوده است. حتی بسیاری از کتاب‌هایی که در گذشته در آنجا وجود داشت، به زبان فارسی است. میراث فرهنگیِ که در این کشور هست، با میراث فرهنگی ما کاملاً مشترک است؛ قبرِ کسی مثل مختومقلی فراغی به عنوان شخصیت بسیار بزرگی که خود ترکمن‌ها از جمله شخص رئیس جمهور ترکمنستان، او را فراتر از یک شاعر، و در حد یک مصلح و پدر معنوی خود می‌شناسند، در استان گلستان ماست که هر ساله تعداد زیادی از مردم ترکمنستان به اینجا می‌آیند و با آئین‌های خاص و احتراماتی ویژه، قبر او را زیارت می‌کنند. چهره‌های بزرگ دیگری هم مثل شیخ نجم‌الدین کبری و خواجه یوسف همدانی هستند که در ایران هم به عنوان عرفای بزرگ شناخته شده، معرّف ما هستند و می‌بینیم که هم در ترکمستان وهم در ایران بسیار مورد احترام‌اند.

اگر تاریخ را هم مطالعه کنیم، می‌بینیم وقتی امام رضا(ع) از مدینه حرکت می‌کنند، مقصدشان مرو بوده است و در همین شهر هم سکونت می‌کنند و ما می‌دانیم که مرو امروز دومین شهر بزرگ و مهم ترکمنستان است. تمام مناظرات و بحث‌های علمی که از امام رضا(ع) به جا مانده، در مرو شکل گرفته و نُضج پیدا کرده است. ایشانِ حدود سه سال در مرو زندگی کرده‌اند و اساساً در مشهد و توس نبوده‌اند. به دلیل همین حضور امام رضا(ع) در این منطقه (مرو)، خیرات و برکات فراوانی از ایشان به یادگار مانده است و عشق، شور و امیدی در دل مردم آنجا ایجاد کرده‌اند که موجب شده مردمِ امروز ترکمنستان هم با اینکه مذهبشان حنفی استَ، ولی عاشق امام رضا(ع) باشند. ایشان در نگاه ترکمن‌ها به عنوان «قزل امام» (امام طلایی) محبوبِ همه ترکمن‌ها هستند. کما اینکه رئیس جمهور ترکمنستان در پیامی که به جشنواره امام رضا(ع) صادر کرد، از ایشان به نیکی یاد کرده و توصیف‌های زیاد و بسیاری زیبایی را در باب امام رضا(ع) به کار برده بود و از محققین خواسته بود که پیرامون شخصیت ایشان و آثارشان، پژوهش و غور کنند و ایشان را بهتر به مردم دنیا معرفی کنند.

همانطور که گفتم در حوزه ریشه‌های زبانی ما با ترکمنستان، اشتراکات زیادی وجود دارد؛ به جرئت می‌توان گفت ما با ترکمن‌ها بیش از ۳۰ درصد اشتراک در ریشه‌های لغت در زبان داریم. پس ما هم از حیث عقیدتی با ترکمنستان ریشه‌های مشترک داریم، هم از حیث زبانی و هم از حیث فرهنگ عمومی؛ این اشتراکات به حدی است که وقتی ۲ سال پیش رئیس جمهور ترکمنستان به ایران سفر کرد و در ملاقاتی که با مقام معظم رهبری داشت، ایشان به رئیس جمهور ترکمنستان گفتند که ما نه تنها با ترکمنستان همسایه هستیم، بلکه ما با هم قوم و خویش هستیم. همه اینها حکایت از پیوندها و ریشه‌های مشترک فکری و معنوی میان دو ملت و دو کشور دارد.

در دوران شوروی و حکومت کمونیستی هم اگرچه مرزهای میان دو کشور بسته می‌شود، اما ارتباط میان دو ملت از بین نمی‌رود و حتی بسیاری از آثاری که در آنجا ترجمه می‌شود، حاصل کارِ ایرانیانی است که قبلاً به این سرزمین رفته‌اند و خواسته یا ناخواسته در آنجا مانده‌اند. البته متاسفانه آن نسل که در میانشان افراد محقق و صاحب نام زیادی هم به چشم می‌خورد و تحقیقات زیادی را از جمله پیرامون شخصیت و اشعار مختومقلی فراغی انجام داده بودند، دیگر در حال انقراض است. حتی در همان دوران هم تا جایی که امکانش وجود داشت، زیارت امام رضا(ع) از سوی ترکمن‌ها انجام می‌شد. پس از فروپاشی شوروی و استقلال ترکمنستان نیز، ایران اولین (و البته شاید به روایتی بعد از ترکیه، دومین) کشوری بود که استقلال ترکمنستان را به رسمیت شناخت و این مسئله در خاطر ترکمن‌ها باقی مانده است.

البته بعد از رسیدن ترکمنستان به استقلال، این کشور گرفتار مشکلات زیادی شد اما کماکان ارتباطات بسیار خوبی میان دو دولت و دو ملت وجود داشت و مرحوم هاشمی رفسنجانی، رئیس جمهور وقت و آقای صفر مراد نیازوف رئیس جمهور وقت ترکمنستان، تعاملات نزدیکی با یکدیگر داشتند؛ گفته می‌شود بین ۵۰ تا ۶۰ بار سفر میان این دو رئیس جمهور انجام شد (البته سفر به ترکمنستان جزء اولین سفرهای خارجی آقای دکتر روحانی هم بود). آن زمان به واقع، عصر طلایی ارتباطات میان ایران و ترکمنستان بود؛ در همین دوره بود که آنها امکانات خوبی برای توسعه روابط فیمابین، در اختیار جمهوری اسلامی ایران گذاشتند و حتی زمین بسیار مناسبی را برای احداث ساختمان رایزنی فرهنگی ایران در یکی از بهترین نقاط عشق آباد اختصاص دادند. البته در مشکلاتی هم که آنها دست به گریبانش شدند، ایران حمایت‌های خود را از ترکمنستان دریغ نکرد؛ در مقطعی، قحط‌سالی بسیار سنگینی در ترکمنستان رخ داد و آرد در این کشور تمام شده بود، وزیر امور خارجه ترکمنستان شبانه به ایران آمد و درخواستش را به طرف ایرانی مطرح می‌کند و بلافاصله رئیس جمهور وقت دستور حرکت کامیون‌های آرد را به سمت ترکمنستان صادر می‌کند.

*** اگر ممکن است به بخش دوم سوال هم بپردازیم؛ وضعیت فعلی روابط فرهنگی ما با ترکمنستان چگونه است و آیا موانع یا چالش خاصی سر راه توسعه این تعاملات وجود دارد؟**

متاسفانه به دلایل مختلف از جمله سوء مدیریت‌هایی که برخی هم از ناحیه ما صورت گرفته است و یا رعایت نکردن بعضی از ضوابط و استانداردها از طرف شرکت‌های ایرانی که در این چند دهه در ترکمنستان فعال شدند و شاید هم تا حدودی به خاطر رقبای دیگری که دل خوشی از ایران و انقلاب اسلامی نداشته و ندارند، به تدریج روابط اقتصادی میان دو کشور تقلیل پیدا کرد و متاسفانه روابط اقتصادی دو کشور در حال حاضر بسیار بسیار اُفت کرده است و این یکی از مشکلات و چالش‌های اساسی است که الان وجود دارد. از طرف دیگر از آنجا که ایران از ترکمنستان برق و گاز می‌خرد و به خاطر تحریم‌ها و برخی از اختلاف نظرها، مشکلاتی در پرداخت قراردادهای مربوط به آن از طرف ما به ترکمنستان به وجود آمد، مقداری دلخوری نسبت به شرکت‌های ایرانی طرف قرارداد در آنها به وجود آمده است و به خاطر همین گره‌های اقتصادی، روابط سیاسی و فرهنگی دو کشور هم تا حدودی تحت تاثیر قرار گرفته و بر آن سایه انداخته است.

شما می‌دانید که ما بعد از عراق، طولانی‌ترین مرز مشترک را در میان کشورهای همسایه، با ترکمنستان داریم که استان‌های خراسان رضوی، خراسان شمالی، گلستان در مرز خاکی و مازندران در مرز دریایی قرار دارند. ترکمنستان به دلیل اینکه دالانی است برای دسترسی سایر کشورها به آب‌های گرم، از اهمیت ژئوپلتیکی بالایی برخوردار است. کشورهای خارجی از جمله ترکیه در این سال‌ها حضور متراکم و گسترده‌ای از بسیاری جهات به ویژه حوزه‌های اقتصادی، در ترکمنستان داشته‌اند و قراردادهای سنگینی به میزان حدود ۴ میلیارد دلار و یا حتی بیشتر، در حدود ۵ میلیارد دلار برای ساخت پروژه‌هایی مانند فرودگاه بین‌المللی و استادیوم ورزشی در ترکمنستان، با این کشور منعقد کرده است در صورتی که اگر درست مدیریت می‌شد، این قراردادها باید با ایران منعقد می‌شد.

*** اگر فرض بگیریم که این گره‌های اقتصادی برطرف خواهند شد، آیا زمینه برای تداوم فعالیت‌های فرهنگی کماکان باقی است و آیا ایران خواهد توانست تعامل فرهنگی خود را با ترکمنستان به شکلی ویژه استمرار ببخشد و این بار از این طریق، روابط اقتصادی موفق چند دهه قبل خود را با این کشور احیا کند و به عصرِ به گفته شما «طلایی» روابط دوجانبه بازگردَد؟**

البته روابط فرهنگی ما با ترکمنستان در حال حاضر بسیار خوب است. به عنوان مثال سال گذشته هفته فرهنگی ترکمنستان در ایران با حضور بیش از ۵۰ نفر از هنرمندان و چهره‌های فرهنگی این کشور برگزار شد که افتتاحیه آن در تالار وحدت و اختتامیه‌اش در برج میلاد بود. همچنین سال قبل هفته فرهنگی ایران در ترکمنستان برگزار شد و آنها هم برای ما سنگ تمام گذاشتند. امسال هم هفته فرهنگی ایران در ترکمنستان مجدداً برگزار شد و شخص رییس جمهوری ترکمنستان برای برگزاری شکوهمند هفته ایران در تر کمنستان و گسترش روابط علمی و فرهنگی با ایران تاکید و دستورهای خاص اجرایی هم صادر کرد. در سال قبل زائران مختومقلی بالغ بر ۹۰ نفر به ایران آمدند و برخلاف سال‌های قبل، هیچگونه مشکلی در سفر آنها به ایران وجود نداشت و مورد استقبال مسؤلان محلی قرار گرفتند و برنامه‌هایشان به خوبی انجام شد. متقابلاً آنها هم در برگزاری جشنواره امام رضا(ع) که در اقامتگاه حضرت در مرو برگزار شد، برای ما تسهیلاتی ایجاد کردند و ما هم مراسم خود را به خوبی انجام دادیم.

ما به عنوان رایزنی فرهنگی ایران در ترکمنستان، کارهای زیادی را در حوزه‌هایی مانند آموزش زبان فارسی انجام می‌دهیم و اکنون بیش از ۳۵۰ فارسی‌آموز در ۱۲ مقطع زبان فارسی مشغول تحصیل هستند و تاکنون صدها نفر فارغ التحصیل شده و در جاهای مختلف مشغول خدمت و کار هستند. خوشبختانه جمهوری اسلامی ایران هم اعلام کرده که در صورت تمایل طرف ترکمنی امکان فعال شدن بخش آموزش زبان ترکمنی در ایران وجود دارد وحتی برخی از دانشگاه ها نیز آماده همکاری هستند.

علیرغم هجمه‌های فرهنگی زیادی که علیه ترکمن‌ها در دوران شوروی سابق وجود داشته، آنها اصالت فرهنگی خود را حفظ کرده‌اند. نظام رسمی ترکمنستان مایل نیست در این کشور بی بند و باری فرهنگی به وجود بیاید، بلکه تمایل دارد که همان رسم و رسومات قومی و قبیله‌ای در این کشور حفظ شود. آنها یعنی سیاستمداران و عقلا و مصلحان ترکمنستان، به همین دلایل، چندان مایل نیستند که غربی‌ها نفوذ زیادی در این کشور پیدا کنند و به همین خاطر، از برنامه‌های فرهنگی، هنری، موسیقی و فیلم ایرانی، استقبال زیادی می‌کنند چون به گفته خودشان، این قبیل آثار [آثار فرهنگی و هنری ایران] به دنبال فاسد کردن کودکان و نوجوانان ترکمن نیست.

*** با توجه به علاقه‌مندی که به فرهنگ ایرانی در ترکمنستان به چشم می‌خورد، فکر می‌کنید چقدر زمینه تولید آثار فرهنگی و هنری مشترک از قبیل فیلم و سریال‌های تلویزیونی میان دو کشور فراهم است؟**

متاسفانه به رغم پیگیری‌هایی که انجام داده‌ایم، اما به دلایل مختلف نتوانسته‌ایم باب فعالیت‌های مشترک تولیدی فرهنگی را با ترکمنستان باز کنیم. واقعیت این است که در این رابطه، ما در دو، سه حوزه، خیلی موفق نبوده‌ایم؛ یکی ارتباطات علمی و دانشگاهی است. حتی در دیداری که با وزیر امور خارجه ترکمنستان داشتیم، ایشان هم تاکید می‌کرد که روابط فرهنگی ایران و ترکمنستان بسیار خوب است ولی ارتباطات علمی و فناوری و دانشگاهی میان دو کشور وجود ندارد.

حوزه دوم، مسائل مربوط به میراث فرهنگی و باستان‌شناسی است؛ ما در این زمینه می‌توانیم موفقیت‌های مشترکی کسب کنیم اما هنوز بابِ آن گشوده نشده است. همچنین است درباره فیلم‌های مشترک و غیره که البته امید می‌رود با توجه به تغییر رویکردها و تاکید اخیر ریاست جمهوری ترکمنستان این مشکل بر طرف و فعالیت‌های علمی و فرهنگی - هنری تولیدی افزایش یابد.

*** شما تا سال گذشته معاون امور بین‌الملل سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی بودید. در آن دوره هفته فرهنگی ایران در ترکمنستان برگزار شد. در این دوره هم که به عنوان رایزن فرهنگی ایران در این کشور فعالیت می‌کنید، شاهد برگزاری یک هفته فرهنگی دیگر از ایران در ترکمنستان بودیم. در هر دو دوره هم رئیس سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی، در برنامه‌ها حضور پیدا کرد که اگر این مسئله را در کنار این موضوع که به هر حال تعداد هفته‌های فرهنگی ایران در کشورهای دیگر بسیار کم است، قرار دهیم، به اهمیت روابط فرهنگی با ترکمنستان پی خواهیم برد. در چنین وضعیتی، چرا این همکاری‌های فرهنگی از حد اعزام چند گروهِ فرهنگی و هنری به ترکمنستان و یا متقابلاً میزبانی از هنرمندان این کشور در ایران، فراتر نمی‌رود؟**

البته الان از یک اعزام ساده، فراتر است. این هفته‌های فرهنگی در واقع یک جریان است و یک سال برای آن کار می‌شود تا این نتایج به دست بیاید. در امسال هفته فرهنگی با شکوهی با حضور هنرمندانی از استان‌های فارس و آذربایجان شرقی در ترکمنستان برگزار شد. این برنامه مجموعه‌ای بود از موسیقی آئینی، صنایع دستی فاخر، نشست‌های علمی و هنری، جشنواره و نمایش فیلم ایرانی، جشنواره غذای ایرانی، نمایشگاه‌های خط، نقاشی، مجسمه سازی، معرق، امور هنری ویژه کودکان و نوجوانان و دیگر رشته‌های هنر ی و فرهنگی به گونه‌ای که در طول چهار روز تمامی رسانه‌های تصویری و مکتوب ترکمنستان برنامه‌ها را پوشش دادند که گزارش کامل آن در سطح خبر گزاری‌های ایران نیز ارائه شده ولی به دلیل نبودن نماینده‌ای از خبرگزاری صدا و سیما متاسفانه پوشش تصویری مناسب در ایران از آن داده نشد.

*** به نظر می‌رسد موسیقی که علاقه‌مندی مشترک دو قوم ایرانی و ترکمنی است، یکی از ظرفیت‌های اصلی در پیوند دادن دو ملت بوده است. به عنوان مثال خطه‌ای مانند خراسان که با ترکمنستان همجوار است، از حیث موسیقی نواحی، بسیار غنی است و خاک آن به خاک ملودی خیز معروف است. رایزنی فرهنگی ایران در ترکمنستان برای تعاملات دوجانبه میان گروه‌های بزرگ موسیقی دو کشور، چه اقداماتی انجام داده است؟ آیا از این قبیل فرصت‌ها برای پیوند بدنه هنری و موسیقایی این دو سرزمین هنرخیز به خوبی استفاده شده است؟**

اساساً یکی از اهداف اصلی برگزاری هفته‌های فرهنگی در دو کشور، تامین خوراک فرهنگی و به ویژه موسیقایی دو کشور است. خوشبختانه در این سال‌ها چندین گروه مشترک موسیقی میان ایران و ترکمنستان تشکیل شده و در برنامه‌های گوناگون به اجرای برنامه صحنه‌ای پرداخته‌اند. اصولاً هفته فرهنگی یک فرصت ویژه برای تعمیق این تعاملات است.

البته در برنامه‌مان تولید یک برنامه مشترک را در دستور کار قرار داده‌ایم که امیدوارم به نتیجه برسد و از آن رونمایی کنیم البته این را هم بگویم که ارتباطات مردمی میان دو کشور، چندان موفق نبوده و به عبارت دقیق‌تر، پا نگرفته است، بلکه عمده ارتباطات میان دو کشور، به شکل رسمی انجام شده و می‌شود و ما در انتظار روزی هستیم که همه مردم به ویژه اهل علم و فرهنگ و هنر هر دو کشور بتوانند با هم بدون دغدغه ارتباط برقرار کنند و رفت و آمد نمایند.

***در ارتباط با مهاجرت ایرانی‌ها به ترکمنستان و سایر کشورهایی که بعد از فروپاشی شوروی ایجاد شدند، ما وقتی کتاب‌هایی مانند «کسی در ماگدان پیر نمی‌شود» و یا «اجاق سرد همسایه» را می‌خوانیم، متوجه می‌شویم که خیلی از ایرانی‌ها از طریق مرز خراسانِ بزرگ آن دوره وارد شوروی یا همان به گفَته خودشان «بهشتِ استالینی» و «بهشت دایی یوسف» شده بودند. آنها البته به محض ورود به خاک شوروی، با واقعیت رو به رو می‌شوند و مثلاً متوجه می‌شوند که حکومت استالین می‌خواهد آنها را بهاردوگاه‌های کار اجباری تبعید کند و وادارشان کند که کار کنند. با این مقدمه مختصر، مایلم کمی درباره وضعیت ایرانی‌های ترکمنستان توضیح بدهید؛ اینکه جمعیتشان چقدر است؟ به چه کارهایی اشتغال دارند؟ عموماً از چه کاست یا طبقه‌ای هستند؟ سوال اساسی دیگر این است که چرا آنها حتی وقتی ترکمنستان هم به استقلال می‌رسد، تلاش نمی‌کنند به ایران برگردند و هنوز هم در آنجا مانده‌اند؟**

واقعیت این است که نسل اولیه ایرانیان مهاجر به ترکمنستان که بیش از ۸۰ سال قبل به این کشور رفتند، تقریباً تمام شده‌اند و این نسل از بین رفته است. به هر حال طبیعی است آنها زمانی که به شوروی رفتند، عموماً جوان و میانسال بودند و لذا بسیاری‌شان، همان‌جا تشکیل خانواده داده‌اند و به نوعی شهروند آنجا شده‌اند و به همین خاطر زیاد انگیزه‌ای ندارند که به موطن اصلی‌شان برگردند. به هر حال مسائل مربوط به زندگی و معیشت افراد و وابستگی‌هایی که عمدتاً از طریق شغل و کار برای آنها به کشور مقصد به وجود آمده است، این انگیزه را کمتر و کمتر هم کرده است و به عبارت دیگر آنها به آنجا خو گرفته‌اند و دیگر بومیِ ترکمنستان به حساب می‌آیند.

*** رایزنی فرهنگی ایران، برای حفظ این عُلقه‌ها به سرزمین مادری در ایرانیان ساکن ترکمنستان، چه کارهای انجام داده است یا انجام خواهد داد؟**

ارتباط ما با آن‌ها تقریباً برقرار است. بخشی از مدرسین ما در رایزنی و یا بخشی از رابطین و فعالین ما در سفارت کشورمان در ترکمنستان، از همین ایرانیان ساکن این کشور هستند. البته تعداد ایرانیان ساکن ترکمنستان زیاد نیست و ما هم به سختی می‌توانیم آنها را پیدا کنیم. ضمن اینکه به هر حال تحولاتی که به خصوص در حوزه خط و زبان در ترکمنستان پدید آمده است، ارتباط بین نسلی را در این کشور دچار مشکل کرده است. اما بنده به عنوان رایزن فرهنگی ایران در ترکمنستان همین جا هم اعلام می‌کنم که دَرِ رایزنی به روی تمامی ایرانیان ساکن ترکمنستان و دیگر شهروندان عزیز ترکمن و غیرترکمن باز است و ما در برقراری ارتباط با هموطنانمان هیچگونه گزینش و محدودیتی اِعمال نخواهیم کرد.

اما همانطور که گفتم تعداد ایرانی‌ها در ترکمنستان زیاد نیست و شاید از ۴۰ خانوار بیشترِ تجاوز نکند که اغلب آنها تاجر هستند و عمدتاً هم در حوالی مرو و بایرام علی، سکونت دارند. ما همه آنها را برای تمام برنامه‌های ملی و مذهبی، دعوت می‌کنیم. البته بجز این تعداد، کسانی هستند که نژادشان فارس است و البته دیگر ایرانی به حساب نمی‌آیند؛ شاید جمعیت آنها (ترکمن‌های با نژاد فارس) از ۳۰ هزار نفر هم بیشتر شود.

اخبار

دستاوردهای کنوانسیون راهنمایان گردشگری ۲۰۱۷ نقد و بررسی شد

دستاوردهای کنوانسیون راهنمایان گردشگری ۲۰۱۷ در حاشیه دهمین گردهمایی راهنمایان در گیلان، نقد و بررسی شد.

در نشست بررسی دستاوردهای کنوانسیون ۲۰۱۷ راهنمایان گردشگری که شامگاه گذشته دوم اسفندماه و در حاشیه برگزاری دهمین گردهمایی راهنمایان گردشگری در استان گیلان برگزار شد، اعضای هیأت مدیره انجمن‌های صنفی استان‌هایی که میزبان راهنمایان گردشگری از کشورهای مختلف دنیا بودند، به بیان دستاوردهای کنوانسیون برای استان خود پرداختند.

وحیده شاپوری از استان البرز بازدید از محوطه ازبک به عنوان یکی از مهمترین سایت‌های تاریخی استان و احیای این محوطه را از جمله مهمترین دستاوردهای کنوانسیون ۲۰۱۷ دانست.

رضا ابوطالبی از استان قزوین هم مطرح کرد: دو سال همه تلاش ما این بود که به ستاد تسهیلات نوروزی بقبولانیم که راهنمای گردشگری، بخشی از نوروز است. کنوانسیون ۲۰۱۷ موجب شد که تمام مسئولیت‌های نوروز به راهنمایان درگیر کنوانسیون سپرده شود.

وی در ادامه بیان کرد: ما در تمام این مدت بر آن بودیم تا به مسئولان استان بقبولانیم که بناهای تاریخی قزوین، به سرویس بهداشتی فرنگی نیاز دارد. حداقل دستاورد کنوانسیون برای استان ما این بود که ۶ چشمه توالت فرنگی در بناهای تاریخی ما کار گذاشته شد و مهمترین و بزرگترین دستاورد کنوانسیون ۲۰۱۷ برای ما اتحاد و یکپارچه شدن راهنمایان گردشگری بود.

اُویس کیانی از زنجان هم با اشاره به اینکه زنجان نخستین محل اقامت راهنمایان گردشگری بود که از کشورهای مختلف به ایران آمده بودند، گفت: اگر برنامه‌های زنجان به خوبی انجام می‌شد، مسافران به ادامه سفر خود دلگرم و امیدوار می‌شدند. حاصل کنوانسیون برای ما دستاوردهای عظیم اجتماعی بود و اینکه مسئولان دولتی توانایی‌های ما را باور کردند.

بهنام افتخاریان از همدان هم با اشاره به اینکه همه مسئولان و نهادهای دولتی در همدان جمع شدند تا این برنامه به بهترین نحو برگزار شود، گفت: ما خواستیم خودمان را در درجه اول به خودمان، بَعد به همکارانمان در ایران، مدیریت شهری و همکاران من در جهان معرفی کنیم و این اتفاق افتاد. همچنین کنوانسیون باعث شد هتل‌ها رتبه و کیفیت خود را بالا ببرند، تولیدکنندگان صنایع دستی به افزایش کیفیت محصولات خود، بازاریابی و بسته‌بندی آن توجه کنند. همچنین توانستیم خاطره‌سازی کنیم و به تولید محتوا از طریق فیلم و کتاب بیاندیشیم.

امیر سبوکی از استان فارس گفته‌های خود را با خواندن غزلی از حافظ شروع کرد و افزود: دستگاه‌های دولتی در استان فارس به کمک ما آمدند. ما برای نخستین بار در دنیا توانستیم یکی از بهترین گذرگاه‌های گردشگری در شیراز را به نام راهنمایان گردشگری تصویب کنیم. یک گروه ۴۰ نفره از دفنوازان در حافظیه به استقبال مسافران خارجی آمدند تا فرهنگ و هنر مردم ایران را به راهنمایان گردشگری که از کشورهای مختلف به سرزمین ما آمده بودند، معرفی کنند.

حسین دهقان از یزد هم با اشاره به اینکه ۳۶ دستگاه و نهاد مختلف، حامیان مالی و معنوی کنوانسیون ۲۰۱۷ در استان یزد بودند، گفت: ما ۱۰ چشمه سرویس بهداشتی در میبد راه‌اندازی کردیم. امروز مسئولین استان یزد، اتاق فکری تشکیل دادند که سه کرسی از ۲۰ کرسی آن به راهنمایان گردشگری استان یزد اختصاص یافته است.